

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: ۷۸۸۶۴ Article Cod: Y۶SH۲۱A۴۹۱ ISSN-P: ۲۵۳۸-۳۷۰۱

بررسی قابلیت اعتراض به قرار تامین خواسته در امور مدنی

(تاریخ دریافت ۱۴۰۰/۰۹/۱۵، تاریخ تصویب ۱۴۰۱/۰۲/۱۸)

دکتر سیدحسام الدین رفیعی طباطبائی^۱

مدرس دانشگاه، دکتری تخصصی حقوق خصوصی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد

کرج، کرج، ایران

طیبه روستائی

دانشجوی کارشناسی حقوق، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، کرج، ایران

چکیده

تأمین خواسته، اقدامی احتیاطی و پیشگیرانه است که صدور آن به خودی خود حقی را برای خواهان تضمین نمی کند، بلکه با اجرای آن خواسته خواهان در امنیت قرار می گیرد. این نهاد حقوقی نه تنها دارای سابقه تاریخی در فقه اسلامی می باشد بلکه ریشه در ایران باستان دارد، ولی در حقوق موضوعه ما این نهاد بر گرفته از حقوق فرانسه است. صدور قرار تأمین خواسته، پس از احراز شرایط عمومی و اختصاصی آن، تکلیفی است که قانونگذار بر عهده محاکم صالح قرار داده است. اعتراض به قرار تأمین خواسته مستندا به ماده ۱۱۶ قانون آیین دادرسی مدنی ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ امکان پذیر می باشد. همچنین شخص ثالث نیز می تواند تحت شرایطی نسبت به این اقرار درخواست اعتراض خود را به دادگاه تقدیم نماید.

واژگان کلیدی: قرار، تأمین خواسته، اعتراض، اعتراض ثالث

مقدمه

نخستین و مهم ترین هدف دادرسی در دعاوی بین اشخاص رفع تجاوز و جبران حقوق تضییع شده افراد بر اساس موازین عدل و انصاف است. اما فرایند دادرسی بر این پایه و اساس پروسه‌ای زمان‌بر می‌باشد و عوامل متعددی وجود دارد که موجب اطاله دادرسی می‌شود. اطاله دادرسی ممکن است به ضرر خواهان تمام شود زیرا طولانی بودن مدت دادرسی فرصتی ایجاد می‌نماید تا خوانده‌ی بدون حسن نیت بتواند در آن مدت با انجام اعمالی اجرای حکم را در آینده با مانع رو به رو و یا حتی اجرای آن را غیر ممکن سازد و با جابه جایی اموال منقول و وجوه نقد و نقل و انتقالات اموال خویش، اجرای حکمی را که خواهان با صرف وقت و هزینه های قانونی به دست آورده، با دشواری روبه رو و یا حتی غیر ممکن نماید و از طرفی، طولانی بودن مدت مزبور می تواند موجب شود اموالی که در زمان اقامه ی دعوا، موجود و در مالکیت خوانده بوده، تا زمان اجرای حکم، بنا به دلایلی ارزش واقعی خود را از دست داده، نابود شده و یا متعلق حق دیگران قرار گیرد. اگر بنا باشد به هنگام اجرای حکم با محکوم علیه معسری مواجه شود، همه اقدام های او و دستگاه قضایی، بدون نتیجه می ماند. برای جلوگیری از حدوث چنین وضعی قانون گذار تمهیداتی اندیشیده که یکی از مهم ترین آنها تأمین خواسته می‌باشد. هر چند سابقه این نهاد به حقوق ایران باستان و فقه اسلامی بر می گردد با این حال قانون آیین دادرسی ما به پیروی از قانون فرانسه احکام آنرا مقرر کرده است. پیش بینی این تأسیس حقوقی در قانون آیین دادرسی حائز اهمیت فراوان است زیرا چنین تأسیسی جنبه احتیاطی و حمایتی داشته و در راستای حفظ حقوق و تضمین هرچه بیشتر منافع اشخاص است و در بهبود روابط مالی و حقوقی میان اشخاص بسیار کارساز و مفید است.

بخش اول: مفهوم تأمین خواسته

تأمین در لغت به معنای "امن کردن، حفظ کردن و امن نمودن" (دهخدا، ۱۳۴۰، ص ۲۷۱) و خواسته نیز به معنای "مال، زر و ملک و آنچه دلخواه باشد" است (همان، ص ۸۱۴). تأمین خواسته در آیین دادرسی مدنی معنایی نزدیک به معنای لغوی آن دارد. زیرا به واسطه آن، مدعی دلخواه خود را یا به عبارتی خواسته ی خود را در امنیت قرار می‌دهد. در معنای اصطلاحی در ماده ی ۱۲۱ قانون آیین دادرسی مدنی در تعریف تأمین آمده است: "تأمین در این قانون عبارت است از توقیف اموال اعم از منقول و غیر منقول" اما در تعریف ترکیبی "تأمین خواسته" که یک تأسیس حقوقی است قانون آیین دادرسی مدنی تعریفی به دست نداده است بنابراین حقوق دانان هر کدام تعریفی از آن ارائه داده که

به بعضی از این تعاریف اشاره می‌نماییم:

- (۱) "تأمین خواسته اقدامی احتیاطی است که بر طبق تقاضای خواهان با صدور قرار دادگاه علیه خوانده انجام می‌گیرد و در نتیجه خواسته دعوی محفوظ می‌ماند" (مدنی، ۱۳۷۲، ص ۶۰۹).
 - (۲) "تأمین خواسته یکی از تدابیر احتیاطی است که وسیله آن خواهان عین خواسته یا معادل آن را از اموال خوانده تا پایان دادرسی به حیطه ی توقیف درآورده از نقل و انتقال آن جلوگیری می‌کند تا طلب خود را وصول و ایصال نماید" (صدرزاده افشار، ۱۳۷۲، ص ۳۴۴).
 - (۳) "تأمین خواسته تأسیسی است که به موجب آن خواهان می‌تواند در موارد مشخص و تحت شرایطی ضمن اقامه دعوی و قبل یا بعد از آن خواسته یا معادل آن را با تحصیل و اجرای قرار دادگاه بازداشت نماید". (شمس، ۱۳۷۲، ص ۱۹۳)
 - (۴) "تأمین خواسته حربه ای است که قانون به دست مدعی داده است که بر علیه خوانده‌ها یعنی بدهکاران مظنون به بدحسابی و سوء نیت به کار بندد" (متین دفتری، ۱۳۷۸، ص ۲۸۶).
- با توجه به تعریف‌های یاد شده معلوم می‌شود که خواهان با اخذ تأمین خواسته در صدد تضمین اجرای حکمی است که در آینده احتمالاً له او صادر می‌گردد. پس وجود چنین تأسیسی، اقدامی احتیاطی و پیشگیرانه است که صدور آن به خودی خود حقی را برای خواهان تضمین نمی‌کند بلکه اجرای آن است که امنیت را برای خواسته خواهان به دنبال دارد.

بخش دوم: پیشینه تاریخی تأمین خواسته

تأسیس حقوقی تأمین خواسته ریشه در ایران باستان و حتی قبل از آن نیز دارد. گفته شده که "در ایران باستان و نیز در حدود هزار سال پیش از آن دائن یا مدعی می‌توانست بر طبق قاعده حق ممتاز از دادگاه حکم قبض فوری پول یا شیء دیگری را از (بدهکار) با همان ارزش بگیرد و تا زمانی که حق او پرداخت نشده به عنوان وثیقه نزد خود نگاه دارد" (شمس، ۱۴۰۰، ص ۴۱۴). بنابراین، این تدبیر احتیاطی از زمان‌های دور معمول بوده تا جایی که در بازارهای مکاره کسانی که معاملات نسبه می‌کردند تأمین می‌دادند. در فقه امامیه تأسیس تأمین خواسته پیش‌بینی نشده است اما علت پذیرش تأسیس تأمین خواسته از سوی فقها، انطباق این تأسیس با "قاعده لاضرر" است، زیرا "قاعده لاضرر" اقتضا می‌کند تا در جهت تأمین و تضمین حقوق طلبکاران با دستور حاکم در امور مالی مدیون دخالت کرده و تا صدور حکم بر حقانیت مدعی اموال خوانده معادل خواسته در توقیف بماند. البته همین قاعده نیز اقتضا می‌کند تا جهت تضمین جبران خسارت ناشی از تأمین بی مورد خوانده از سوی

خواهان خسارت احتمالی دریافت شود. در حقوق موضوعه ایران سابقه تقنینی تأمین خواسته که عمدتاً مأخوذ از حقوق فرانسه است، به قانون اصول محاکمات حقوقی مصوب ۱۳۲۹ قمری برمی گردد. بعد از آن، قانون تأمین مدعی به مصوب اسفندماه ۱۳۰۸ تدوین و اصلاحاتی را در قانون اصول محاکمات حقوقی به عمل آورد. چون مقررات سابق از جهات مختلفی ناقص بود، قانون آیین دادرسی مدنی مصوب سال ۱۳۱۸، در مقررات مربوط به تأمین خواسته اصلاحات مؤثری به عمل آورده که مهمترین آن ایجاد حق تقدم در وصول طلب نسبت به سایر بستانکاران، برای درخواست کننده تأمین، موضوع ماده ۲۶۹ بود. در واقع با تصویب قانون اخیر الذکر شناسایی قانونی دو اثر مهم تأسیس تأمین خواسته تکمیل و بدین ترتیب انتقاداتی که حَقاً به قوانین سابق وارد بود، مرتفع گردید.

بخش سوم: قابلیت اعتراض به قرار تأمین خواسته

به موجب ماده ۱۱۶ قانون آیین دادرسی در امور مدنی "قرار تأمین به طرف دعوا ابلاغ می شود، نامبرده حق دارد ظرف ده روز به این قرار اعتراض نماید. دادگاه در اولین جلسه به اعتراض رسیدگی نموده و نسبت به آن تعیین تکلیف می نماید". با توجه به ماده مذکور خواننده می تواند به قرار تأمین خواسته اعتراض نماید. در واقع تنها راه شکایت از این قرار اعتراض به آن است که به معنای شکایتی است که از رای به مرجع صادرکننده آن برای رسیدگی داده می شود. با توجه به مواد ۳۳۲، ۳۶۷ و ۳۶۸ قانون آیین دادرسی مدنی قرار تأمین خواسته قابل تجدیدنظر و فرجام خواهی نمی باشد چراکه در زمره قرارهای مذکور در این مواد نیست. همچنین با توجه به اینکه مطابق ماده ۴۲۶ قانون آیین دادرسی مدنی اعاده دادرسی مختص آراء قطعی یافته است، تقاضای اعاده دادرسی نیز در مورد این قرار قابلیت استماع ندارد.

بخش چهارم: اعتراض ثالث به قرار تأمین خواسته

اعتراض ثالث، مفهوم حقوقی عامی است که در قوانین مختلف و با شیوه های اجرایی غیر مشابه به آن اشاراتی شده است. هنگامی که شخص، در جریان یک دادرسی عادی یا فوری، حضور ندارد و به عنوان طرف دعوی نیز به دادرسی دعوت نمی شود، لیکن رای یا تصمیم قضایی مأخوذه در پرونده، به نحوی به حقوق وی خلل وارد می کند، قانونگذار به حق، راهکاری تحت عنوان "اعتراض ثالث" را پیش بینی نموده است تا به ادعای ثالث در این خصوص رسیدگی شود. حال اگر اقدامات علیه اموال شخص ثالث، در مرحله اجرای حکم یا قرار تأمین خواسته و یا دستور موقت فوری دادگاه، رخ دهد، با "اعتراض ثالث اجرایی" مواجه هستیم که علیرغم شباهتهایی که با اعتراض ثالث مندرج در قانون آیین

دادرسی مدنی دارد، مفهومی کاملاً متفاوت بوده و راهکار عملی خاص خود را می‌طلبد. به‌طور کلی اگر دادگاهی در مقام تأمین خواسته یا اجرای حکم قطعی مال منقول یا غیرمنقول از محکوم‌علیه را توقیف نماید و شخص ثالثی نسبت به این مال ادعای حق داشته باشد، راهکار اعلام ادعا و درخواست رسیدگی طرح دعوای اعتراض ثالث اجرایی است. اعتراض ثالث اجرایی مستفاد از مواد ۱۴۶ و ۱۴۷ قانون اجرای احکام مدنی لازم است شرایط زیر را داشته باشد:

۱. در هر صورت مدعی باید به دادگاه صادرکننده دستور توقیف یا مجری رأی مراجعه کند؛
۲. در صورتی که مدعی دارای سند رسمی باشد یا ادعا مستند به حکم قطعی با تاریخ مقدم باشد توقیف رفع می‌گردد؛
۳. در صورتی که ادعا مستند به سند رسمی یا حکم قطعی با تاریخ مقدم نباشد لازم به شکایت است؛
۴. علی‌رغم قید عبارت: "بدون رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی" برای اعتراض ثالث تقدیم دادخواست لازم است؛
۵. دادخواست در هر صورت باید علیه هر دو طرف پرونده طرح شود.

بخش پنجم: شیوه اعتراض به قرار تأمین خواسته و مرجع صالح به رسیدگی و شیوه رسیدگی به اعتراض

طرفین می‌توانند نظر دادگاه را به غیرقانونی بودن تصمیم یا نامناسب بودن میزان تأمین جلب نمایند و اگر قرار تأمین خواسته برخلاف قانون و بدون اخذ تأمین صادر شده باشد، خوانده مطابق ماده ۱۱۶ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی می‌تواند در مهلت ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ قرار، اعتراض نموده و تقاضای فسخ آن را کند و این اعتراض در قالب یک عرضحال و لایحه ساده به عمل می‌آید و دادگاه در اولین جلسه نسبت به اعتراض خوانده تعیین تکلیف می‌نماید. بنابراین این اعتراض نیاز به تشریفات خاص و نوشتن روی برگه چاپی مخصوص نداشته و نیز هزینه دادرسی ندارد.

در خصوص مرجع صالح به رسیدگی و شیوه رسیدگی به اعتراض باید گفت "مرجع اعتراض همان شعبه دادگاهی است که قرار تأمین خواسته را صادر نموده است حتی اگر قرار تأمین خواسته پیش از اقامه دعوا از شعبه دادگاهی صادر شده و اصل دعوا به شعبه دیگری ارجاع شده باشد" (شمس، ۱۴۰۰، ص ۴۵۲). همان‌گونه که اشاره شد طرف مقابل در مهلت مقرر ده روزه می‌تواند به قرار صادره اعتراض نماید. دادگاه دستور ثبت اعتراض را صادر می‌کند و در اولین جلسه به آن رسیدگی می‌شود.

رسیدگی به این اعتراض فوری نیست و اعتراض طرف مقابل باید در اولین جلسه رسیدگی یعنی زمانی مورد رسیدگی قرار گیرد که به اصل دعوی نیز رسیدگی شود و درخواست کننده‌ی تامین نیز دعوت شده باشد. به دلیل این که تصمیم‌گیری نسبت به اعتراض معمولاً مستلزم ورود به ماهیت دعوا است رسیدگی به آن باید در جلسه دادرسی انجام شود تا درخواست کننده قرار نیز امکان دفاع داشته باشد. در مورد اعتراض به قرار تامین خواسته اصولاً در همان جلسه اول رسیدگی پرداخته می‌شود و در مورد آن تصمیم‌گیری صورت می‌پذیرد. اعتراض به قراری که پیش از تقدیم دادخواست یا توام با آن به عمل آمده در همان جلسه اول رسیدگی مورد بررسی و رسیدگی قرار می‌گیرد و در صورتی که بعد از اقامه دعوا و بعد از اولین جلسه رسیدگی صادر شده باید در اولین جلسه رسیدگی بعد از اعتراض مورد بررسی قرار گیرد. پس از رسیدگی به اعتراض دادگاه ممکن است با رد اعتراض، قرار را تایید کند و با پذیرش اعتراض قرار را فسخ نماید. "هرگاه اعتراض رد و قرار تایید شود این قرار تا صدور حکم قطعی معتبر و آثار آن به جا می‌ماند" (شمس، ۱۴۰۰، ص ۴۵۴). اگر اعتراض پذیرفته شود و قرار فسخ گردد در صورتی که قرار اجرا شده باشد آثار اجرایی آن برطرف می‌شود و اموال بازداشت شده آزاد می‌گردد. و مطابق ماده ۱۲۰ قانون آیین دادرسی مدنی پس از صدور حکم قطعی علیه خواهان، خوانده می‌تواند مطالبه خسارت نماید.

نتیجه‌گیری

در مورد قرار تامین خواسته صرفاً ارائه درخواست اعتراض مسموع بوده و طرق عادی و فوق‌العاده شکایت از آراء به شیوه‌ای که در قانون آیین دادرسی مدنی پیش‌بینی شده است راه ندارد. چنانچه قرار تامین خواسته صادر و اجراء شود، خوانده حق اعتراض دارد و اگر اعتراض او پذیرفته شود، از مال مورد توقیف، رفع اثر می‌شود و در صورتی که اعتراض خوانده رد شود، این رد قابل تجدیدنظر نیست. مطابق با قانون آیین دادرسی مدنی، حداکثر ظرف ده روز از تاریخ صدور قرار تامین خواسته، خوانده دعوا که تامین خواسته علیه او صادر شده و مال او توقیف شده است می‌تواند نسبت به این تصمیم اعتراض نماید. جدای از اعتراض خوانده دعوا، اگر شخص ثالثی جدای از طرفین دعوا نسبت به مال توقیف شده ادعا و اظهار حقی نماید می‌تواند نسبت به تصمیم دادگاه در این باره اعتراض، و خواستار رفع تامین و توقیف گردد. این موضوع نیازمند طرح دادخواستی به دادگاه صادر کننده‌ی که تامین خواسته را صادر نموده است می‌باشد و دادگاه مذکور با بررسی و محتویات پرونده تصمیم مقتضی را اتخاذ می‌نماید.

منابع و مآخذ

- ۱- دهخدا، علی اکبر، لغتنامه، ج ۱۴، تهران، چاپخانه دانشگاه تهران، ۱۳۴۰
- ۲- شمس، عبدالله، تأمین در تأمین خواسته، مجله تحقیقات حقوقی دانشگاه شهید بهشتی، شماره‌های ۱۷ و ۱۶، سال ۱۳۷۲
- ۳- شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد سوم، چاپ سی و پنجم، تهران، ۱۴۰۰، انتشارات دراک
- ۴- صدرزاده افشار، سیدمحسن، آیین دادرسی مدنی سه مجلد، چاپ اول، مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی، ۱۳۷۲
- ۵- مدنی، سیدجلال الدین. آیین دادرسی مدنی، ج دوم، چاپ سوم، انتشارات گنج دانش، سال ۱۳۷۲
- ۶- متین دفتری، احمد، آیین دادرسی مدنی و بازرگانی، ج ۱، چاپ اول، انتشارات مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۷۸
- ۷- منصور، جهانگیر، قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور مدنی)، چاپ شصت و دوم، تهران، ۱۳۹۶، دوران
- ۸- صانعی، پرویز، ترجمه مقدمه ماتیکان هزار دستان، مجله حقوق مردم سال هشتم، ش ۳۱، به نقل از شمس، عبدالله، آیین دادرسی مدنی، جلد سوم، چاپ سی و پنجم، تهران، ۱۴۰۰، انتشارات دراک

